



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۳۹۳

مصادف با: ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶

موضوع جزئی: ویژگی‌ها و ضوابط روش تفسیری باطنی (رمزی و اشاری)

جلسه: ۱۷

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### ضوابط و ویژگی‌های روش تفسیری باطنی (رمزی و اشاری)

با توجه به مطالبی که تا اینجا گفته شد می‌توانیم بعضی از ضوابط و معیارهای تفسیر اشاری و باطنی را ذکر کنیم که می‌تواند به ما کمک کند چه روشی در قالب این تفسیر (تفسیر باطنی) پذیرفتنی است. البته ما یک تعریف کلی ارائه دادیم و گفتیم منظور از روش تفسیری باطنی که بتواند مورد اتکاء قرار بگیرد کدام روش است اما مهمترین ویژگی‌هایی که در این روش تفسیری وجود دارد عبارتند از:

#### ویژگی اول

تناسب بین ظاهر آیه و باطن آن، یعنی نه تنها تأویل در کار نیست بلکه دلالت ظاهری آیه با تفسیری که از آیه شده، بیگانه نیست بلکه مناسبت بین ظاهر و باطن آیه وجود دارد، نهایت این است که یک توسعه‌ای یا به نحو ادعایی یا به نحو حقیقی برای آن معنای ظاهری قائل شدیم، پس یکی از مهمترین ویژگی‌های تفسیر باطنی تناسب بین معنای ظاهری و آن تفسیری است که از آیه به عمل آمده است.

#### ویژگی دوم

ویژگی دوم این است که اگر معنایی برای آیه به عنوان تفسیر ذکر می‌شود مبتنی بر اصول و ضوابط و ملاکات قطعی است؛ مثلاً اگر ما می‌خواهیم خصوصیتی را از ظاهر آیه الغاء کنیم باید بستر الغاء خصوصیت فراهم باشد و امکان تسری دادن آن از ظاهر آیه به یک معنای وسیعتر وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر در بعضی از آیات، امکان الغاء خصوصیت و تسری آیه به معنای وسیعتر وجود ندارد که در این صورت نمی‌توان برای آیه تفسیر اشاری و باطنی بیان کرد اما در بعضی از آیات مثل آیاتی که در جلسه گذشته به آنها اشاره کردیم [«المائده»: ۳۲، «الکهف»: ۶۶، «یوسف»: ۱۲] امکان الغاء خصوصیت وجود دارد و می‌توان به تفسیر باطنی آنها پرداخت. پس یکی از ویژگی‌های تفسیر باطنی امکان الغاء خصوصیت و تسری آیه به معنای باطنی است.

#### ویژگی سوم

یکی دیگر از ویژگی‌های تفسیری باطنی و اشاری این است که با روح قرآن و تعالیم دینی سازگاری داشته باشد چون ممکن است به خصوص در آیه‌ای با قطع نظر از سایر آیات و روح دین و تعلیمات و آموزه‌های دینی بتوانیم یک معنایی را از آیه استفاده کنیم اما در مقایسه با سایر آموزه‌های دینی ناسازگاری بین این تفسیر و روح تعلیمات دینی وجود داشته باشد. پس این نکته خیلی مهم است که از آیه معنایی استفاده شود که در چارچوب کلی دین و آموزه‌های دینی قرار گیرد؛ مثلاً اگر کسی بر اساس یک تفسیر باطنی به نوعی بخواهد از آیه این استفاده را بکند که عمل به احکام شرعی و پایبندی به ظواهر شریعت مهم نیست بلکه آنچه مهم است این است که انسان با خداوند متعال یک ارتباط قلبی پیدا کند و قلب سلیم داشته باشد و همه اعمال

انسان مقدمه برای رسیدن به این نقطه است و به این وسیله بخواهد از آیه‌ای در این مسیر استفاده کند که عمل به احکام و ظواهر شرعی طریقت دارد و چنانچه انسان به هدف مورد نظر نائل شد لازم نیست که به احکام و ظواهر شریعت پایبند باشد در این صورت قطعاً چنین چیزی با روح دین و تعالیم و آموزه‌های دینی سازگار نیست.

**سؤال:** آیا منظور از اینکه گفته شد تفسیر ارائه شده از آیات نباید با احکام و ظواهر شریعت ناسازگار باشد منحصر به آیات الاحکام است یا سایر آیات را نیز شامل می‌شود؟

**استاد:** بخشی مربوط به آیات الاحکام است ولی این گونه نیست که منحصر به آنها باشد بلکه این ضابطه (ویژگی سوم) می‌خواهد بگوید تفسیری باطنی آیات قرآن اعم از آیات الاحکام و غیر آن نباید با آموزه‌ها و تعلیمات دینی ناسازگار باشد. مثلاً اینکه مسلمان از لحظه تکلیف تا روزی که در قید حیات است مکلف به یک سری تکالیف و اعمال ظاهری است، از مسلمات است [یعنی مسلمان مکلف به یک سری احکام است چه در باب عبادات و چه در باب معاملات]. حال اگر کسی از یک آیه‌ای این طور استفاده کند که آنچه که مقصود و مطلوب اصلی خداوند است تحصیل رضایت خداوند متعال و قلب سلیم داشتن است لذا من قلبم را از همه آلودگی‌ها پاک می‌کنم و خودم را در مسیری قرار می‌دهم که همیشه توجهم به خداوند متعال باشد بنابراین، ضرورتی ندارد که نماز بخوانم یا حج بروم و سایر اعمال عبادی دیگر را انجام دهم چون همه این اعمال طریق برای رسیدن به قلب سلیم است و من به این امر واصل شده‌ام لذا به انجام این اعمال نیازی نیست، این با روح قرآن و آموزه‌های دینی سازگاری ندارد.

#### **ویژگی چهارم**

ویژگی چهارم این است که تفسیر ارائه شده از آیه باید با شواهد و قرائن دیگر نیز تأیید شود یعنی این گونه نباشد که یک تفسیری از آیه ارائه شود که هیچ قرینه و شاهد خارجی و شرعی در مورد آن وجود نداشته باشد. در ویژگی قبلی سخن از این بود که تفسیر باطنی نباید با سایر آموزه‌ها و تعلیمات دینی معارض باشد لکن در این ویژگی بحث از وجود مؤید است یعنی به نوعی باید بتوان این روش تفسیری (تفسیر باطنی) را با شواهد و قرائن دیگر اعم از قرائن خارجی و شرعی، تأیید کرد.

#### **جمع بندی**

ویژگی‌هایی که بیان شد برای این است که روش تفسیری باطنی از تأویل، تفسیر به رأی و تفسیرهایی که یک جانبه و با قطع نظر از آیات دیگر و روایات است، جدا شود زیرا امکان اشتباه در روش تفسیری باطنی زیاد است چون در این روش (روش تفسیری باطنی) مفسر می‌خواهد پا را از دایره ظواهر فراتر نهد و اشاراتی را کشف و رموز و بواطنی را آشکار کند بنابراین، اگر روش تفسیری باطنی با ویژگی‌هایی که بیان شد همراه نباشد امکان لغزش و سقوط مفسر زیاد خواهد بود لذا لازم است ضوابط و معیارهایی که بیان شد در تفسیر باطنی قرآن لحاظ شود تا مفسر دچار لغزش نگردد.

ضمناً این نکته را هم باید توجه داشت که این روش تفسیری (تفسیر باطنی) از هر کسی ساخته نیست و کسی می‌تواند به این روش تفسیری اقدام کند که به قواعد تفسیری، علوم دینی تسلط داشته باشد و با همه دانش‌های مورد نیاز تفسیر آشنا باشد لذا جامعیت مفسر نسبت به همه علوم و قواعد تفسیری در این روش تفسیری (تفسیر باطنی) بیش از سایر روشها لازم است، ممکن است در روشهای تفسیری دیگر که به آنها اشاره کردیم هر کسی به فراخور دانش و علم خودش بتواند ورود پیدا کند اما

در تفسیر باطنی این گونه نیست و فقط کسانی می‌توانند به کشف رموز و آشکار کردن بطن آیات بپردازند که به قواعد تفسیری و علوم دینی تسلط کامل داشته باشد. البته آنچه ذکر شد در جایی است که تفسیر باطنی و اشاری مبتنی بر کشف و شهود شخصی نباشد ولی اگر کسی بخواهد بر اساس کشف و شهود شخصی به تفسیر قرآن بپردازد و در دایره تفسیر عرفانی قرآن وارد شود قهراً باید علاوه بر تسلط کامل بر قواعد تفسیری، علوم دینی و حقایق عرفانی (عرفان نظری) عرفان عملی نیز داشته باشد یعنی با اینکه اساس تفسیر مبتنی بر یک طهارت روحی است اما در مواردی که می‌خواهد تفسیر باطنی انجام بگیرد اهمیت این جهت بیشتر می‌شود لذا طهارت روحی برای روش تفسیری باطنی نسبت به سایر روشهای تفسیری لازمتر است چون القائنات و الهامات شیطنی در روش تفسیری باطنی نسبت به سایر روشهای تفسیری، زیادتر است.

#### نتیجه

با توجه به مطالبی که گفته شد نمی‌توان به طور کلی روش تفسیری باطنی را نفی کرد، مخالفینی که این روش تفسیری را نفی کرده‌اند عمدتاً به اموری استناد کرده‌اند که خدشه در خود این روش تفسیری محسوب نمی‌شود؛ مثلاً اینکه گفته می‌شود کسانی وارد حیطه تفسیر باطنی قرآن شده‌اند که خطا و اشتباه زیادی مرتکب شده‌اند اشکالی نیست که متوجه خود روش تفسیری باطنی باشد بلکه اینها به خاطر این بود که ضوابط و ویژگی‌های مذکور رعایت نشده و منجر به این اشتباهات و خطاها شده است. لذا با توجه به مطالبی که عرض شد به نظر می‌رسد که این روش تفسیری (تفسیر باطنی)، روشی مقبول و معتبر است.

«والحمد لله رب العالمین»